مرور نحوه عقد و تبعات تمام نشدنی قرارداد مرد نجیبی که بلای خانمان‌سوز فوتبال ایران شد

دسته گل ۸ میلیون یورویی تاج و سلطان!

شیوا نوروزی

همه چیز از یک قرارداد «خوب» با یک مربی «نجیب» آغاز شد. وقتی سرمربی تیم ملی فوتبال پس از چند ماه بحث، بررسی، گمانه‌زنی و مذاکره انتخاب شد، مدیران وقت فدراسیون فوتبال سر از پا نمی‌شناختند و با قیافه‌های حق به جانب منت انتخاب سرمربی جدید را بر سر یک ملت می‌گذاشتند. قرار بود ویلموتس حاشیه‌های کی‌روش را نداشته باشد، غافل از اینکه حاصل دستپخت مهدی تاج و شرکا امضای قراردادی شبیه ترکمانچای با مارک ویلموتس بود، اما حالا نه ویلموتسی در ایران است و نه تاجی بر سر فدراسیون فوتبال، ولی در عوض پس‌لرزه‌های بدهی ۸ میلیون یورویی حاصل از آن قرارداد «خوب» همچنان تن و بدن فوتبال ایران را می‌لرزاند.

عجله کار شیطان است

۱ بعد از اتمام همکاری کارلوس کی‌روش با تیم ملی پس از پایان جام ملت‌های آسیا بازار شایعات برای انتخاب جانشین او داغ شد و مثل همیشه اسامی غلط انداز زیادی سر زبان‌ها افتادند؛ از زیدان، مورینیو و کلینزمن گرفته تا برانکو ایوانکوویچ، دالیچ، لوران بلان، مونتلا، ویلموتس، هروه رنار و حتی علی دایی. بحث نشستن گزینه ایرانی روی نیمکت خیلی زود منتفی شد و بعد از اینکه رئیس وقت فدراسیون مذاکره با زیزو، آقای خاص و کلینزمن را یک شوخی خواند، موضوع مذاکره با ویچ‌ها داغ شد؛ برانکو که آن موقع سرمربی پرسپولیس بود و اگرچه بدش نمی‌آمد دوباره سرمربی ایران شود، ولی انتخاب او هیچ توجیهی نداشت. دالیچ هم هدایت تیم ملی کرواسی را برعهده داشت. مذاکره با بلان و مونتلای ایتالیایی هم چیزی شبیه شوخی بود. این وسط هروه رنار برخلاف سایر گزینه‌ها شانس زیادی برای نشستن روی نیمکت ایران را داشت تا جایی که عباس ترابیان، رئیس سابق کمیته بازاریابی فدراسیون در گفت‌وگویی با «جوان» مدعی شد مسئول مذاکره مستقیم با سرمربی پیشین تیم ملی مراکش بوده است: «از سوی وزارت ورزش مأمور شدم با هروه رنار، سرمربی مراکش مذاکره کنم. به توافق هم رسیدیم، اما رنار هدایت مراکش را در جام ملت‌های آفریقا برعهده داشت، به همین دلیل به ما اعلام کرد تا ماه ژوئن نمی‌تواند به ایران بیاید، ولی آقایان آنقدر عجله داشتند که گفتند نمی‌توانیم صبر کنیم. بعد از ما عربستان با رنار مذاکره و او را به‌عنوان سرمربی انتخاب کرد!» این در حالی است که مهدی تاج بعد از منتفی شدن انتخاب هروه رنار ادعا کرد عجله‌ای در کار نیست: «وزارت و خانواده فوتبال ما را به تعجیل توصیه نمی‌کنند. نمی‌گویند هول هولکی مربی بیاورید و چهار ساله ببندید تا مشکلاتی را که در قرارداد قبلی داشتیم، تکرار نشود؛ سرمربی را باید با صبر انتخاب کنیم.»

امضا در بروکسل

۲ گزینه نهایی که تاج از تخم مرغ شانسی‌اش درآورد، کسی نبود جز مارک ویلموتس؛ همان کسی که نجیبانه کارش را پیش برد، رقم قراردادش را نجومی کرد و با همکاری وکلای حرفه‌ای‌اش بندهای عجیب و غریب زیادی را برای روز مبادا در قراردادش گنجاند. ویلموتس نسل طلایی بلژیک را در جام‌جهانی ۲۰۱۸ به مقام سوم رساند و بعد از آن هم یک سال هدایت ساحل عاج را برعهده گرفت، ولی مذاکره با مقامات فدراسیون ایران حال و هوای دیگری داشت. بعد از جدی شدن ماجرا، او اردیبهشت ۹۸ به تهران سفر کرد تا از نزدیک اوضاع را رصد کند، ولی برخلاف انتظارات در پایان این سفر هیچ قراردادی امضا نشد! ویلموتس تهران را ترک کرد و در کمال ناباوری تاج را وادار کرد برای نهایی شدن قرارداد به بروکسل برود! با اینکه در بدترین حالت کسی فکرش را هم نمی‌کرد، رئیس وقت فدراسیون به این خفت تن دهد و شأن تیم ملی و کشورمان را پایین بیاورد، خبر آمد که مارکو پولوی فدراسیون عازم بروکسل شده تا برنامه‌اش را عملی کند. همان موقع هم رسانه‌ها نسبت به این رفتار غیرحرفه‌ای و البته چیپ آقای رئیس هشدار دادند و انتقاد کردند، ولی دریغ از یک ذره تأثیر و توجه. اواخر روز اول خرداد ۹۸ بود که خبر امضای قرارداد منحوس مرد بلژیکی با فدراسیون فوتبال از سفارت ایران در بروکسل مخابره شد. جدا از موضوع بی‌احترامی صورت گرفته نسبت به مردم و کشورمان، موضوع دخالت و نقش سفارت ایران در بلژیک در به سرانجام رسیدن مذاکرات جای بحث داشت. هر چند که شیخ علی، رایزن روابط دوجانبه سفارت جمهوری اسلامی ایران در بلژیک در گفت‌وگو با ایسنا این ارتباط را تکذیب کرد: «مذاکرات مهدی تاج و ویلموتس در محل اقامتگاه سفارت در بروکسل انجام و منجر به امضای قرارداد شد، اما سفارت هیچ مشارکتی در این مذاکرات نداشته است. سفارت هیچ تضمینی به ویلموتس بابت حقوقش نداده است. مذاکرات بین خودشان بوده و سفارت جمهوری اسلامی ایران در حد لجستیک و یکطرفه تنها با تاج صحبت‌هایی را در این خصوص داشته است.»

ابهامات مالی مربی پروازی

۳ ویلموتس علاقه‌ای به ایران نداشت و این واقعیت از رفتارش کاملاً مشخص بود. البته هیچ کس انتظار ندارد که مربیان خارجی بعد از شروع همکاری‌شان با تیم‌های ما یک دل، نه صد عاشق و شیفته کشورمان شوند، اما اینکه طرف مقابل در قبال دریافت دستمزد نجومی به تعهدات حرفه‌ای و اخلاقی پایبند باشد، انتظاری کاملاً معقول است. منتها این قضیه درخصوص مربی بلژیکی صدق نمی‌کرد. او از همان اول هم سنگ‌هایش را با تاج واکنده بود و پروازی بودنش را هم گفته و هم در قرارداد گنجانده بود. تا جایی که با وجود غیبت‌های طولانی او هیچ وقت از حق تیم ملی دفاع نشد. حرف و حدیث‌ها در مورد رقم دستمزد ویلموتس زیاد بود و با اینکه فدراسیون فقط تکذیب می‌کرد، ولی رسانه‌ها از در نظر گرفته شدن دستمزد سالانه ۱/۵ میلیون دلاری سرمربی جدید خبر می‌دادند. از اول هم معلوم بود مربی که کشور طرف مذاکره را قبول ندارد و در خاک کشور خودش قرارداد می‌بندد، حتماً فکر همه جا را کرده و با دریافت دستمزدی کلان حاضر به نشستن روی نیمکت تیم ملی شده است. او در مجموع ۶۶ روز در ایران بود و حالا بابت همان دو ماه و چند روز از ما ۶/۲ میلیون یورو طلبکار شده است؛ به همین سادگی مربی اخراجی ساحل عاج با غرامتی که مجبور به پرداخت آن هستیم، به زودی به یکی از متمول‌ترین مردم کشورش تبدیل خواهد شد.

چه رفتنی و چه آمدنی؟

۴ برای مربی پروازی یک مرسدس بنز تشریفاتی کرایه کردند و برای خودش و همراهانش در هتل اسپیناس پالاس تهران سوئیت‌های لوکس در نظر گرفتند. با این همه هزینه او ۷ خرداد ۹۸ به تهران آمد و تیم ملی را در دو مسابقه دوستانه (کره‌جنوبی و سوریه) کچ کرد و رفت تا ۱۵ تیر. دوباره ۲۴ تیر رفت و ۸ شهریور آمد. بعد از بازی تیم ملی با هنگ کنگ ویلموتس رفت و ۳۱ شهریور برای تماشای دربی به تهران بازگشت. دربی را که دید باز هم نتوانست تهران و سوئیت مجللش را تحمل کند و رفت تا ۱۲ مهر زمان شروع اردوی تیم ملی قبل بازی با کامبوج و بحرین. کامبوج را گلباران کردیم، ولی با باخت به بحرین بود که واقعیت‌های زیادی عیان شدند. اول اینکه سرمربی آنقدرها هم که مهدی تاج مدعی بود «نجیب» و مأخوذ به حیا نبوده و نیست؛ چراکه ویلموتس به جای آنکه پاسخگوی سؤالات درخصوص شکست مقابل بحرین باشد، به دلیل پرداخت نشدن قسط اول دستمزدش ۲۳ مهر رفت و تا ۲ میلیون یورو ناقابل به حسابش واریز نشد، برنگشت. هر چند که برگشتن او در تاریخ ۱۸ آبان و درست چند روز مانده به بازی حساس با عراق جز هزینه برایمان عایدی نداشت. دوم اینکه قرارداد تاریخی جناب مارک آنقدر بند و تبصره دندان‌شکن دارد که اگر دست از پا خطا کنیم فیفا و CAS بیچاره‌مان خواهند کرد. ۲۳ آبان به عراق هم باختیم تا برای صعود به مرحله گروهی انتخابی جام‌جهانی کارمان گره بخورد، ولی تنها چیزی که مهم نبوده، آینده تیم ملی است. طبیعی است از تیمی که سرمربی پروازی‌اش قبل از یک بازی سرنوشت‌ساز و حیثیتی قهر می‌کند، نباید هم انتظار کسب برد داشت. بعد از این باخت مربی پرحاشیه برای همیشه رفت که رفت. آقایان طبق معمول سعی کردند با شلوغ‌بازی واقعیت‌ها را کتمان کنند، ولی اصل ماجرا این است که مرد نجیب قبل بازی با عراق قراردادش را فسخ کرده بود.

پلن B

۵ وقتی با کارلوس کی‌روش در تهران و دفتر وزیر ورزش قرارداد بستیم، آن همه مشکل و چالش داشتیم، پرواضح بود با ویلموتسی که قابل ندانست در پایتخت ایران قرارداد ببندد، روزهای خوشی نخواهیم داشت. همین هم شد. بعد از چند ماه و گرفتن نتایج بسیار ضعیف، جناب مارک از طریق وکلا و مشاورانش پلن B را کلید زد؛ شکایت، غرامت و طلب بیش از ۶ میلیون یورو. حتی فسخ قرارداد هم برایمان داستان درست کرد، به طوری که رئیس وقت یک پایش ایران بود و یک پایش ترکیه تا این غائله را فیصله دهد. جالب اینکه ویلموتس حتی حاضر نمی‌شد شخصاً در جلسات مذاکره حاضر شود و نمایندگانش را به جای خودش می‌فرستاد. به هر ترتیب قرارداد کذایی فسخ شد، اما فسخ قرارداد تازه شروع ماجرا بود.

از فسخ تا غرامت

۶ ابعاد افتضاح به بار آمده فراتر از یک باخت و قهر سرمربی است، آنقدر افتضاح که هیچ کس مسئولیتش را نمی‌پذیرد و همه مقصران خودشان را بیگناه می‌دانند. بعد از کش و قوس‌های فراوان قراردادی که معلوم نبود چرا به امضا رسیده از سوی ویلموتس فسخ شد و در واقع این تازه اول مشکلات ما بود. مهدی تاج در اظهاراتش بارها سعی کرد که فدراسیون را محق و راضی از فسخ قرارداد نشان دهد، ولی در اصل این خود ویلموتس بود که به دلیل تأخیر در پرداخت حق و حقوقش قرارداد را فسخ کرد تا کار به شکایت بکشد. ویلموتس حتی در نامه‌ای به فدراسیون اعلام کرد که برای ادامه همکاری باید قراردادی جدید نوشته شود! مهدی تاج در برنامه تلویزیونی با همان ژست همیشگی‌اش قرارداد ویلموتس را قراردادی خوب نامید و مدعی شد طبق مفاد قرارداد هر یک از طرفین بابت فسخ یک طرفه باید سه ماه غرامت بدهد! این ادعای مضحک در حالی مطرح شد که فدراسیون بابت شش ماه همکاری با ویلموتس ۲ میلیون یورو به حساب او واریز کرده بود. درنهایت خبر شکایت ویلموتس از فدراسیون به فیفا و درخواست غرامت ۶ میلیون یورویی‌اش رسماً اعلام شد. از اینجا بود که آقایان در فدراسیون و وزارت ورزش به آب و آتش زدند تا با فرافکنی و هیاهو منکر بندهای خفت‌بار موجود در قرارداد شوند. اما گرفتن سه ماه غرامت از کسی که استاد گرفتن غرامت است، طنزی خنده‌دار بود.

ویلموتس پیشنهاد وزیر

۷ با بالا گرفتن انتقادها و واکنش‌های مردمی و مسئولان نسبت به فاجعه به بار آمده راهی نمانده بود، جز افشای بخشی از معادلات پشت پرده. اواسط خرداد ۹۹ مهدی تاج بعد از بهانه کردن بیماری قلبی و استعفایش از ریاست فدراسیون فرصت حضور در اخبار ۲۰:۳۰ تلویزیون را غنیمت شمرد و حرف‌هایی زد که مستقیماً مسعود سلطانی‌فر، وزیر ورزش را یکی از متهمان اصلی قرارداد فاجعه‌بار ویلموتس معرفی کرد و برای نخستین‌بار نام «مرکز فرهنگی ایران و هلند» مطرح شد: «نامه‌ای به وزیر ورزش و جوانان ارسال شده و او را معرفی کرده بودند. وزیر هم این نامه را برای بررسی و رؤیت به فدراسیون فوتبال فرستاد. مرکز فرهنگی ایران و هلند این نامه را به وزارت ورزش فرستاد و ویلموتس، لوپتگی و رنار را پیشنهاد کرده و گفته بود این مربیان برای هدایت تیم ملی بهترین هستند. ویلموتس سومین گزینه پیشنهادی بود و بعد از ناکامی در عقد قرارداد همکاری با لوپتگی و رنار، به سراغ ویلموتس رفتیم.» تاج برای آنکه توپ را در زمین وزیر نگه دارد در ادامه افشاگری‌هایش به یکی از بندهای مندرج در قرارداد اشاره کرد؛ همان بندی که بعدها معلوم شد چگونه به ضرر ماست و آقایان مدعی چون زبان نمی‌دانستند، متوجه نشده بودند که چه چیزی را امضا کرده‌اند، همان بند پرداخت سه ماه دستمزد یا مبلغ مشخص!

تکذیبی که فایده نداشت

۸ بعد از روشن شدن گوشه‌ای از اتفاقات پشت پرده این قرارداد، وزیر ورزش از یک سو و مرکز فرهنگی ایران و هلند از سوی دیگر پروژه تکذیب و انکار را کلید زدند. سلطانی‌فر برای پاک کردن رد پایش خودش را طرفدار استفاده از مربی ایرانی خواند و فدراسیون را مسئول پاسخگویی به نهادهای نظارتی معرفی کرد: «فدراسیون‌ها تصمیم‌گیرنده اصلی هستند و نقش وزارتخانه نظارتی است. نامه مربوط به مرکز فرهنگی ایران و هلند هم به دست ما رسید که من روی آن نوشتم برای بررسی و بهره‌برداری به این فدراسیون ارجاع شود. خود فدراسیون تصمیم گرفت با ویلموتس قرارداد امضا کند و تمام موارد را خود فدراسیون بررسی کرده است. مسئولیت قرارداد ویلموتس هم با فدراسیون فوتبال است و قطعاً خودشان به نهادهای نظارتی پاسخ خواهند داد. آن زمان طرفدار مربی ایرانی بودم و به دوستان در فدراسیون هم گفتم که مربیان خوبی در ایران داریم. سال ۹۵ که به هلند سفر کرده بودیم، سفیر ایران در هلند از من دعوت کرد که این انجمن را افتتاح کنم. بعد از آن دیگر ارتباطی با آن مرکز نداشتم.»

از هلند تا بلژیک

۹ شانه خالی کردن مرکز فرهنگی ایران و هلند هم در نوع خود جالب توجه بود؛ این مرکز در توضیح فعالیت‌هایش به حضورش در عرصه ورزش اشاره کرد از جمله برنامه‌ریزی و پیگیری اردوی تدارکاتی تیم امید و انجام سه بازی دوستانه با دو تیم هلندی و یک تیم بلژیکی. مرکزی که به دست سلطانی‌فر افتتاح شده، مدعی شد که بنا بر سابقه و تجربه همکاری با تیم امید و با بهره‌گیری از توان تخصصی مشاوران حرفه‌ای در حوزه فوتبال اروپا، پس از ارزیابی گزینه‌های مناسب را طی نامه‌ای به وزیر ورزش پیشنهاد داده و این مرکز از طریق رسانه‌ها متوجه انتخاب ویلموتس به‌عنوان سرمربی جدید تیم ملی شده است! مدیرعامل این مرکز تجاری- فرهنگی همچنین بر ذینفع نبودن مرکز ایران و هلند تأکید کرد و ادعاهای مطرح شده را فرافکنی سخیف خواند. با وجود توضیحات طولانی مطرح شده، ابهامات موجود درخصوص نقش این مرکز در انتخاب سرمربی پردردسر باورپذیر بودن این توضیحات یا بهتر است بگوییم توجیهات را غیرممکن می‌سازد؛ چراکه اساساً دلیلی وجود ندارد یک چنین مرکزی به خود اجازه دهد تا مثل ایجنت‌های رسمی و دلالان غیررسمی، کتباً به وزیر گزینه معرفی کند.

عکس: رضا دهشیری | جوان

شستا وارد می‌شود

۱۰ آن ۲ میلیون یورویی که همان اوایل برای بستن دهان ویلموتس به حسابش ریخته شد، در واقع پولی بود که شستا (شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی) آبان ۹۸ به فدراسیون قرض داد و طبق قول و قرار گذاشته شده این مبلغ می‌بایست تا فروردین ۹۹ بازگردانده می‌شد. برای جوش خوردن معامله یک چک ۲ میلیون یورویی نیز از طرف فدراسیون به‌عنوان ضمانت به شستا داده شد. با اتمام مهلت مقرر شستا موفق به نقد کردن چکش نشد و فدراسیون برای قانع کردن آنها امتیاز اسپانسری تیم ملی را به شستا پیشکش کرد که البته موضوع به سرانجام نرسید. بعد از آن بود که فشار شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی برای رسیدن به پول بیشتر شد. دی ماه ۹۹ حکم توقیف اموال فدراسیون و به مزایده گذاشتن آن گرفته شد، ولی پادرمیانی سلطانی‌فر و مذاکره با شریعتمداری وزیر کار نتیجه داد و شستا مجبور شد تا پایان سال صبر کند. تنها اقدام فدراسیون که در آن زمان با سرپرست اداره می‌شد، پرداخت ۲۵ میلیارد تومان به حساب شستا بود. آنها مدعی‌اند بدهی ۲ میلیون یورویی خود را با نرخ ارز سال ۹۸ پرداخت کرده‌اند، اما شستا مبلغی نزدیک به ۶۰ میلیارد تومان می‌خواهد به همین دلیل است که علاوه بر اینکه ساختمان فدراسیون در خیابان سئول را صاحب شده، سه دانگ از ساختمان باشگاه پرسپولیس در خیابان شیخ بهایی را نیز در اختیار گرفته است.

دستیاران ویلموتس

۱۱ پرونده مارک ویلموتس هنوز به سرانجام نرسیده و قرار است دادگاه این مربی تیرماه برگزار شود. نکته جالب اینکه دستیارانش نیز بیکار ننشسته‌اند و با شکایت به فیفا رأی این نهاد بین‌المللی را به نفع خود گرفته‌اند. در تازه‌ترین تحولات این پرونده، فیفا فدراسیون فوتبال ایران را به پرداخت یک میلیون و ۴۰۰ هزار یورو به دو دستیار ویلموتس (هر کدام ۷۰۰ هزار یورو) متهم کرده است. این رأی پس از مصادره شدن اموال فدراسیون صادر شده و تأخیر در پرداخت جریمه قطعاً با برخورد جدی و قاطع فیفا همراه خواهد شد. فدراسیونی که اموالش توقیف شده و هنوز بدهی شستا را نپرداخته و نمی‌داند دادگاه عالی ورزش در خصوص درخواست ۶/۲ میلیون یورویی ویلموتس چه رأیی صادر خواهد کرد، چطور می‌تواند طلب دستیاران مرد بلژیکی را پرداخت کند. البته دولتمردان باز هم پشت فوتبال درآمده‌اند و برای ماله کشیدن روی حیف و میل‌های تمام نشدنی این رشته و خرابکاری‌های مدیران ورزش و فوتبال چراغ سبز نشان داده‌اند؛ ضمن اینکه پاداش فیفا قوت قلبی برای فدراسیون است، پاداشی که باید صرف پیشرفت فوتبال و تجهیز و توسعه زیرساخت‌هایمان شود، نه پرداخت بدهی‌ها.

مقصران طلبکار

۱۲ سال‌هاست که در فوتبال ایران هیچ مدیری عواقب تصمیمات مدیریتی‌اش را به گردن نگرفته و بابت عملکردش توبیخ و مجازات نشده است. با علم به این قضیه است که متهمان پرونده ویلموتس نگران هیچ چیز نیستند و به جای آنکه پای میز محاکمه باشند، پست‌های جدید می‌گیرند. وزارت ورزش که نقش خود را در این ماجرا رد کرده و بحث استقلال فدراسیون فوتبال را وسط کشیده است. رئیس پیشین هم که با یک استعفای خشک و خالی آن هم به بهانه بیماری بدون اینکه از مردم عذرخواهی کند، روزگار سپری می‌کند. اعضای هیئت رئیسه وقت هم که از جمله مقصران هستند در فدراسیون جدید هم پست می‌گیرند؛ حیدر بهاروند، هم رئیس سازمان لیگ است و هم نایب رئیس فدراسیون عزیزی خادم! آن هم در شرایطی که سازمان بازرسی کل کشور علیه هشت عضو هیئت رئیسه وقت فدراسیون اعلام جرم کرده است.

وعده برخورد فراموش نشود

۱۳ هر زمان که اخبار تازه‌ای از پرونده مربی بلژیکی منتشر می‌شود، خیلی‌ها یادشان می‌افتد علیه تاج و رفقایش اظهارنظر کنند تا به نوعی خود را پیگیر ماجرا نشان دهند، اما واقعیت این است که برخلاف آن هیاهوهای اولیه که مسئولان، مدیران و نمایندگان مجلس به راه انداختند، هنوز خبری از محاکمه متهمان و ارائه توضیحات تکمیلی به مردم نشده است. نمایندگانی که با جدیت وضعیت مدیریت فوتبال ایران را رصد و دنبال می‌کردند، گویا همه چیز را فراموش کرده و دیگر خبری از مصاحبه‌های آتشین آنها با رسانه‌ها نیست. به نظر می‌رسد این موضوع زودتر از آنچه انتظار می‌رفت مشمول مرور زمان شده؛ چراکه عالم و آدم بسیج شده‌اند تا با استفاده از امکانات یک کشور خسارت سنگین حاصل از سوءمدیریت عده‌ای را جبران کنند. نزدیک به دو سال از رفتن ویلموتس می‌گذرد و بعد از صدور رأی دستیارانش باید منتظر رأی دادگاه تیرماه باشیم.